

عنوان مقاله:

نقد و بررسی استصحاب وجودی و عدمی با رویکردی به قانون مدنی و آیین دادرسی مدنی

محل انتشار:

اولین کنفرانس حقوق، حقوق بین الملل، علوم سیاسی و علوم انسانی (سال: 1400)

تعداد صفحات اصل مقاله: 14

نویسنده:

نگار رسام - دانشجوی کارشناسی رشته حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد داریون

خلاصه مقاله:

در منابع فقهی، استصحاب از جهت مستصحب به دو دسته، استصحاب وجودی و عدمی تقسیم شده است. اکثر فقها هر دو نوع استصحاب را حجت دانسته و در مورد تردید بر اساس آنها اقدام نموده اند. استصحاب وجودی ناظر به مواردی است که وجود امری در گذشته ثابت بوده است یعنی قبلاً موجود بوده است و به جهتی از جهات تردید می شود که امر مزبور، هنوز باقی است یا معدوم شده است؛ مثلاً اگر بر حسب دلایل، دینی محقق و ثابت بوده است، و سپس در بقاء یا سقوط آن دین، تردید حاصل شود. اکثر اصولیون، جریان استصحاب وجودی را پذیرفته اند و مناقشه ای در این نوع از استصحاب بین اصولیون وجود ندارد. استصحاب عدمی بر این اصل متکی است که وجود هر حادثی دلیل می خواهد و در صورت تردید، باید عدم سابق را نیز باقی دانست. عدم چیزی در سابق محرز و مسلم بوده و وجود آن در زمان بعد، مورد تردید قرار گیرد. عبارت دیگر هر چیزی حادثی، مسبوق به عدم است، بنابراین در مقام تردید، بر اساس استصحاب علمی، باید ادامه حیات سابق، یعنی عدم، استصحاب شود. ماده ۱۲۱۳ قانون مدنی هم در این زمینه مقرر می دارد در صورت تردید در صحت یا بطلان معامله انجام شده توسط مجنون ادواری می توان به استناد اصل استصحاب عدمی، عدم اهلیت او در زمان انجام معامله را استصحاب نمود و حکم به بطلان معامله او را صادر کرد، مگر آن که سلامتی او در زمان معامله اثبات شود. حادثات سابقه عدمی دارند، از این رو اگر در پیدایش چیزی، تردید شود مدعی حدوث باید دلیل بدهد؛ زیرا طرف او مستظهر به استصحاب عدم است.

کلمات کلیدی:

اصول عملیه، استصحاب وجودی، استصحاب عدمی، قانون مدنی، امارات قانونی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1406538>

